

بیانه دانشجویان آزادی خواه و برابری طلب به مناسب 16 آذر 1386

دانشگاه پادگان نیست !

1- رویارویی با سیاست بسط و تشدید سرکوب سراسری جامعه هم اینک پیش شرط بقا و تداوم حرکت هر جنبش مترقی اجتماعی - اعم از جنبش کارگری ، دانشجویی ، زنان و جوانان آزادی خواه - است . به نظر می رسد که این سیاست ، همچون ضرورت حفظ حیات سیاسی مجریان آن در ارباب فعالین اجتماعی و عقب راندن جنبشهای پیشتاز جامعه مؤثر واقع شده است . در پس این پیروزی گذرا اما حقیقت دیگری مستتر است و آن انسداد مسیرهایی است که دستگاه سیاسی کنونی ایران تا پیش از این با حرکت بر روی آنها بازتولید قدرت خود را تضمین می نمود . صعود شاخص سرکوب سیاسی و اجتماعی حاکمیت به ترازمشابه رژیمهای کودتاجی و شبه فاشیستی تاریخ ، نشانه ی پایان دورانی است که هیئت حاکمه ی ایران امر نارضایتی های عمیق اجتماعی را با نسخه های از اعتبار ساقط شده ای چون « تخدیر ایدئولوژیک توده ها » و یا « تعبیه سوپاپ اطمینان اصلاحات » مهار می کرد.

2- فضایی از این دست ، زد و خوردهای داخل حاکمیت را به سمت عروج فرصت طلبانه ی جناح به اصطلاح منتقد دولت هدایت می کند . این جریان با تلاش برای اختفای کارنامه سی ساله ی خود در خلق جامعه ای آکنده از آسیبهای فردی و اجتماعی مردم ایران و نیز با انکار ارتباط ارگانیک خود با باند حاکم بر دولت - همچون دو عضو زنده ی لازم برای تداوم زیست سیاسی کلیت سرمایه داری ایران - هدف و برنامه ی کنونی خود را قبضه ی مجدد قوای مجریه و مقننه در رقابت با جناح مقابل، از طریق مصادره ی نیروی جنبشهای اصیل اجتماعی - به ویژه جنبش کارگری ، دانشجویی و زنان - تعریف کرده است .

3- محصول منطقی سیاستهای ارتجاعی امپریالیسم به رهبری آمریکا در منطقه ، در ادامه ی مواجهه ی گزیر ناپذیر آن با رژیم سیاسی نامتعارف ایران ، امروز - پس از تحمیل تحریمهای سنگین اقتصادی - به مرحله ی عبور از سرحدات رعب آور حمله ی نظامی رسیده است . تهدید جنگ - جنگی به مراتب وسیعتر و خانمانسوز تر از جنگ عراق - هم اینک در واکنشها و تحرکات آمریکا و متحدینش در قبال ایران دیده می شود . باقی مانده ی جامعه ی چند ده میلیونی ایران پس از تهاجم نظامی امپریالیسم ، مجموعه ای خونین از باندهای گانگستری ، گروههای فالانژ آدم کش و دارودسته های قومی و بنیاد گرایی خواهد بود که در جدال با یکدیگر و با مدنیت جامعه ، عرصه ی حیات اجتماعی عموم مردم را با ترور ، بمب گذاری ، نسل کشی ، عملیات انتحاری و تاخت و تازهای مسلحانه متلاشی می کنند . بازگرداندن ایران به سامان اولیه خود در صورت تحقق این سناریو ، در کوتاه مدت به غایت بعید به نظر می رسد . حتی کوچکترین احتمال وقوع این وضعیت ما را به الزام توده ای کردن این شعار رهنمون می شود که : **« دست جنایتکار امپریالیسم از زندگی مردم ایران کوتاه ! »**

با در نظر گرفتن شرایط داخلی و موقعیت بین المللی ایران ، اکنون تکلیف سنگینی بر دوش جنبشهای مترقی اجتماعی ، از جمله جنبش دانشجویی نهاده شده است . دانشگاه اکنون نیاز حیاتی به مقاومت در برابر پروژه ی سلب ابتدایی ترین حقوق صنفی ، سیاسی و اجتماعی دانشجویان را درک می کند . پایمال شدن مستبدانه ی بخش وسیعی از حقوق صنفی دانشجویان ؛ بازداشت ، شکنجه و حبس فعالین دانشجویی ؛ توقیف نشریات و تشکلهای مستقل دانشگاه ؛ اخراج و منع از تحصیل سلیقه ای دانشجویان ؛ صدور گسترده و بی سابقه ی احکام انضباطی ، تشدید فشار بر آزادی های دختران دانشجو و در یک کلام نظامی و امنیتی شدن مسلم فضای دانشگاه ، بیانگر ضرورت مقاومت همه جانبه ی دانشجویان در برابر سیاستهای عوامل سرکوب جنبش و تبدیل دانشگاه به مقر نظامی و دفاعی جناحین حاکمیت است ؛ **« دانشگاهی که به اصرار و اعتقاد ما پادگان نیست ! »**

با این همه عقیم گذاشتن مساعی و تکاپوی هر دو جناح معلوم الحال دستگاه سیاسی ایران در امر مصادره به مطلوب فضای اعتراضی دانشگاه برای پیشبرد سیاستهای ارتجاعی خود ، و نیز مخالفت فعالانه با هرگونه دخالت خارجی - اعم از نظامی و غیر نظامی - و روشننگری پیرامون ابعاد فاجعه ای که با آغاز تهاجم ارتشهای امپریالیستی به ایران متحقق خواهد شد ، به همان میزان ضروری است . به باور ما یگانه طریق استمداد از نیروی مستقل دانشجویی در امر احیای حقوق صنفی ، اجتماعی و سیاسی دانشجویان و عقب راندن فشارهای حاکمیت بر دانشگاه و خنثی ساختن توطئه ی مصادره ی جنبش دانشجویی به نفع جناحین قدرت و نیز مقابله با تحقق سناریوی دخالت خارجی و حمله ی نظامی به ایران ، جز متشکل شدن دانشجویان سراسر کشور - اعم از فعالین سیاسی ، صنفی و فرهنگی دانشگاهها - در تشکلی سراسری برای پیگیری مطالبات بر حق دانشجویان چیز

دیگری نیست . این بیانیه به نوبه ی خود فراخوانی ست رو به تمامی دانشجویان برای حرکت به سمت ایجاد این تشکل ، با اتکا به نیروی مادی و فکری بدنه ی دانشجویی و با مرزبندی قاطع در برابر هرگونه قدرت فرادانشجویی و فرا مردمی .

درک این حقیقت که جنبش دانشجویی مکلف است تا تحلیل عینی خود از وضعیت موجود را به تمامی حوزه های مبارزاتی جامعه - به ویژه عرصه ی نبرد جنبشهای کارگری و زنان - ارائه داده و بر مبنای آن بسیج نیروهای اجتماعی حول برنامه ای برای نجات جامعه را تسهیل و تسریع نماید ، مخاطب این فراخوان را از محدوده ی دانشگاه به گستره ی جامعه گسیل می کند .

زنده باد آزادی و برابری

دانشجویان آزادی خواه و برابری طلب دانشگاههای ایران